

بررسی روند مهاجرت های بین استانی ایران در سه دهه اخیر

(سرشماری ۱۳۹۰-۱۳۶۵)

فاطمه تنها^۱ و علی گلی^۲

چکیده

هدف تحقیق حاضر بررسی روند مهاجرت های بین استانی در سه دهه پس از انقلاب است. لذا، ویژگی های جمعیتی مهاجران و عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر مهاجرت های داخلی، مورد بررسی قرار گرفت. داده های مورد استفاده از سرشماری های سال های ۶۵، ۷۵، ۸۵ و ۹۰ می باشد و از سالنامه آماری سال های ۷۵ و ۸۵ نیز استفاده شده است. نتایج نشان داد که ویژگی های جمعیتی مهاجران بر روند مهاجرت داخلی تأثیر داشته است. مردان و گروه سنی ۶۵-۱۵ سال، بالاترین میزان تحرک را داشته اند. تفاوت میان مهاجرت زنان و مردان، با گذشت زمان کاهش یافته است. بیشترین نوع مهاجرت از نوع مهاجرت نیروی کار است که مهاجران در سنین ۶۵-۱۵ سال داشته اند. با گذشت زمان اهمیت مهاجرت نیروی کار و تعداد آن افزایش می یابد، اما در سرشماری ۹۰ میزان آن مقداری با کاهش رو به رو بوده است. برای بررسی تأثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی از شاخص در ابعاد مختلف توسعه از جمله توسعه اقتصادی، فرهنگی، نیروی انسانی و اشتغال، ارتباطات و مخابرات، بهداشت و درمان و مسکن استفاده شد. نتایج نشان داد که ابعاد مختلف توسعه در سال های ۷۵ و ۸۵، ۲۰ درصد از تغییرات مهاجرت های داخلی را تبیین می کند. هم چنین استانهایی که در مسیر توسعه قرار گرفته اند، گرایش به مهاجرت و تحرک بیشتری دارند.

واژگان کلیدی: مهاجرت های بین استانی، شاخص توسعه انسانی، مهاجر فرست، مهاجر پذیر.

مقدمه

مهاجرت پدیده پیچیده ای است که با زمان، فرهنگ و شرایط اجتماعی در پاسخ به نیاز های اقتصادی و اجتماعی و تحولات فرهنگی که از جریان تغییرات جمعیتی ناشی می شود، در سطح ملی و بین المللی پدید می آید. مفهوم مهاجرت در برگزیده چهار بعد ویژه است، شامل تغییر در مکان، اقامتگاه، زمان و فعالیت (شیخی، ۱۳۷۱، ص ۵۲).

مهاجرت در کشورهای در حال توسعه بیشتر از نوع مهاجرت از روستا به شهر و یا از شهر های کوچک به شهر های بزرگ است. مردم در کشور های در هر حال توسعه یا از آن روی به شهر ها کشانده می شوند که نظام های سنتی تولید روستایی آنها از هم پاشیده، یا به دلیل آنکه نواحی شهری فرصت های شغلی برتری ارائه می کنند. مهاجرین ممکن است قصد داشته باشند فقط برای مدت نسبتاً کوتاهی در شهر اقامت کنند، با این هدف که پس از کسب پول کافی به روستاهای خود باز گردند، اما اکثراً به این دلیل که موقعیتشان را در اجتماعات قبلی خود از دست داده اند، خود را مجبور به سکونت دائم در شهر می کنند (گیدنز^۱، ۱۳۷۹، ص ۱۵). در واقع، اهمیت پدیده مهاجرت در اکثر کشور های در حال توسعه الزاماً در خود فرایند یا حتی اثر آن در تخصیص منابع انسانی میان بخش های اقتصادی نیست، بلکه اثر آن بر رشد اقتصادی به طور کلی و آثار خاص آن بر چگونگی این رشد و وضعیت توزیع آن است که در سال های اخیر، تحقیقات در زمینه مهاجرت را اهمیت بیشتری بخشیده است (تودارو، ۱۹۶۸، ص ۵۶).

تحلیل مهاجرت، مشکلات روش شناختی و مفهومی بیشتری نسبت به تحلیل باروری و مرگ و میر دارد. اولین مشکل این است که مهاجرت بیشتر از دو جمعیت را درگیر می کند. یک فرد از یک مبدأ به یک مقصد حرکت می کند. دوم اینکه همه مهاجرت ها ممکن است در دو جهت اتفاق بیفتند. مشکلاتی نیز در زمینه اندازه گیری مهاجرت وجود دارد. در حالیکه مردم یک بار می میرند و تعداد موالیید برای یک زن کاملاً محدود است، تعداد دفعات و زمان هایی که یک فرد در زندگیش می تواند مهاجرت کند، کمتر قابل محدود کردن است. شاید به همین دلیل است که داده هایی که در مورد مهاجرت وجود دارد، نسبت به داده های موجود در خصوص باروری و مرگ و میر، اعتبار کمتری دارد و به اندازه آن ها کامل نیست. (هایندز^۲، ۱۹۹۸؛ ۱۹۰)

در کشور ما ایران بر اثر افزایش مهاجرت، بسیاری از روستاها خالی از سکنه شده و بسیاری دیگر، قسمت عمده ای از جمعیت خود را از دست داده اند. در طول همین سال ها مهاجرت جمعیت به نقاط شهری، پیدایش شهر ها و شهرکها را در نقاطی نه چندان مستعد باعث شده است. اعتدال جمعیت بین شهر های بزرگ و کوچک کشور به هم ریخته و بین تعداد جمعیت نواحی شهری و روستایی فاصله افتاده و برخی از مناطق کشور با برخی دیگر تفاوت پیدا کرده

1-Giddenz

2-Haynd

است. در این زمینه نه تنها اعتدال بین نواحی مختلف شهری به هم ریخته، بلکه منابع طبیعی نیز در پاسخگویی به نیاز جمعیت از دیدگاه اجتماعی، اقتصادی و طبیعی کار آمد نبوده است (شیعه، ۱۳۸۰، ص ۱۰).

تحقیق در مورد مسئله مهاجرت ابتدا بر دانش اجتماعی ما می افزاید و در ثانی ارزش کاربردی این تحقیق از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا هجوم انبوه مهاجرین در محیط جدید، مشکلات عمده ای را برای مسئولین دولتی یه وجود می آورد که حداقل در سه حوزه مختلف، این مشکلات ذهن مسئولین و برنامه ریزان را به خود مشغول می نماید:

۱- ایجاد اشتغال برای توده مهاجرانی که از گروه های شغلی مختلف تشکیل می گردند، که در صورت عدم توفیق، بیکاری و عدم اشتغال را به دنبال خواهد داشت.

۲- تهیه و پیش بینی محل اقامت و دیگر خدمات عمومی مهاجران.

۳- جلوگیری از ناهنجاری های مهاجران: در صورت عدم توجه به مهاجران در مقصد که افرادی ناشناخته هستند، احتمال دست زدن به دزدی و اعمال خلاف افزایش می یابد. (فرج زاده قلعه، ۱۳۷۹، ص ۱۳)

در این تحقیق که بر مبنای نتایج عمومی سرشماری نفوس و مسکن کشور در طی دهه های ۹۰-۶۵ است به بررسی شاخص هایی در دو سطح خرد و کلان مهاجرت پرداخته می شود که شامل خصوصیات مهاجران و عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر مهاجرت است.

این تحقیق که در صدد بیان وجود روابط معنادار بین سطح توسعه یافتگی استان های کشور و مهاجرپذیری و مهاجرفرستی آنها است، بر مبنای نظریه لی که در هر دو سطح خرد و کلان به بیان علل مهاجرت می پردازد، انجام شده است.

روش تحقیق در این بررسی، تحلیل ثانویه داده های حاصل از سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ است که توسط مرکز آمار ایران به انجام رسیده است. جامعه آماری این تحقیق، کسانی هستند که در فاصله این سه سرشماری شهر یا روستای محل اقامت خود را تغییر داده اند.

ادبیات موضوع

مهاجرت داخلی یک فرایند مهم در بسیاری از کشورهاست و عکس العمل مردم نسبت به عواملی نظیر نابرابری های اقتصادی منطقه ای، ناکامی اجتماعی و عدم رضایت در بسیاری از جنبه های زندگی را منعکس می کند. مهاجرت داخلی مشکلات فراوانی را به وجود می آورد، که عبارتند از: رکود در مناطق غیر شهری، شلوغی بیش از حد شهر ها و بسیاری از بیماری های اقتصادی و اجتماعی که بخش های مختلف جامعه را تحت تأثیر قرار می دهند. (لوکاس و مید، ۱۳۸۱، ص ۱۵۷).

افزایش سریع و غیر سازمان یافته جمعیت شهرها، فقدان امکانات شهری مطلوب، افزایش بیماری های پنهان شهری و حاشیه نشینی، آلودگی های زیست محیطی، از بین رفتن امکانات روستاهای خالی از سکنه و به هم خوردن ساختار جمعیت روستایی از جمله عواقب ناخوشایند مهاجرت های روستاییان به شهر بوده است. از مطالعات انجام شده در زمینه مهاجرت های داخلی می توان به نمونه های زیر اشاره کرد.

زاهد زاهدانی (۱۳۸۵) با توجه به نظریه ای که خود ارائه داده، علت اصلی مهاجرت های دهه ۶۵-۵۵ را تمرکز گرایی دولتی و افزایش مناصب اداری و بعد از آن مهاجرت های ناشی از جنگ می داند. به نظر محقق، در دهه اول عوامل خارجی مؤثر بر حرکت های جمعیتی شامل جنگ، ناامنی در استان های واقع در مرز های غربی، بیکاری ناشی از جنگ در داخل کشور و وجود فرصت های شغلی عمدتاً نامشروع مانند قاچاق کالا در حاشیه سواحل جنوبی کشور بوده است. در دهه دوم نیز، ناامنی در مرز های شرقی و ایجاد فرصت های شغلی در داخل کشور بر این حرکات جمعیتی مؤثر واقع شده است.

وارثی و سروری (۱۳۸۵) تحقیقی را با عنوان "تحلیلی بر ارتباط متقابل توسعه، مهاجرت و شهرنشینی در ایران" انجام دادند. روش تحقیق در این پژوهش، اسنادی و کتابخانه ای بود و به کارهای آماری انتشار یافته توسط مرکز آمار ایران استناد شد. در این بررسی مشخص شد که همبستگی بالایی بین میزان توسعه و مهاجرت و شهرنشینی در استان های کشور وجود دارد، که عدد بدست آمده از همبستگی رتبه ای اسپیرمن، رابطه ی بین میزان توسعه و مهاجرت، میزان خدمات و شهرنشینی و میزان مهاجرت و شهرنشینی بدست آمد که هر سه مورد نشانگر همبستگی قوی بین هر کدام از رابطه هاست.

تیرتامدورم^۱ (۲۰۰۹) در ژورنال گزارشات توسعه انسانی، برنامه های توسعه سازمان ملل، بیان می کند که حرکت جمعیت در اندونزی در زمینه وسیعی از توسعه انسانی رخ می دهد. در این مقاله، حرکت بشر، به عنوان یک انتخاب شخصی، در پاسخ به تغییرات ساختاری در جامعه در نظر گرفته می شود. محقق نتیجه می گیرد که مهاجرت در اندونزی نتیجه ی ترکیب این عوامل است: رسوم ملی مهاجرت، شرایط اقتصادی و مداخله دولت.

سوزوکی^۲ (۲۰۰۷) به بررسی تأثیر مهاجرت بین استانی در سطوح آموزشی مختلف بر روی توزیع مجدد سرمایه انسانی در استان های چین پرداختند. نتایج نشان داد که فرار مغزها وابسته به سرمایه انسانی موجود در استان های مبدأ بود. همچنین در استان هایی که سرمایه انسانی بالاتری داشتند به علت عدم تأمین شغلی افراد، میزان مهاجرت بالا بود. همچنین نتایج نشان داد که تنها مسئله نیروی کار در این زمینه مؤثر نبوده بلکه بیشتر احتمال می رود که ارتباط میان مهاجرت و سرمایه انسانی در نتیجه عدم تعادل رشد اقتصادی در استان های چین

1-Tertamedorm

2-Sozoki

باشد. در استان هایی که جمعیت بالاتری داشتند و فقیرتر بودند، بیشترین مهاجرت در میان فارغ التحصیلان دبیرستانی دیده می شود. استان هایی که بیشترین تأثیر را از فرار مغزها داشتند، به افزایش سرمایه گذاری در سرمایه های انسانی خود پرداختند.

فن، (۲۰۰۵) در مقاله ای با عنوان "مدل مهاجرت بین استانی در چین" بر اساس رویکرد جاذبه و نظریات راونشتاین به بررسی مهاجرت های بین استانی در چین پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان داد که در طول زمان، اهمیت عوامل جاذبه کاهش یافته است. همچنین مدل هایی که بر اساس رویکرد جاذبه هستند، از نظر تئوریک و روش شناختی برای افزایش اطلاعات ما از مهاجرت های بین استانی مفید می باشند و الگوها و فرایندهای تصمیم گیری در مورد مهاجرت در چین، با کشورهای سرمایه داری و پیشرفته تفاوتی ندارد.

نظریه های پژوهش

بومن^۱ از جمله نظریه پردازان نوگرایی است. ادبیات نوگرایی و مابعد مدرن، تفسیر متفاوتی از ماهیت فرآیندهایی که به مهاجرت می انجامد دارد و به خصوص اهمیت زیادی برای نقش عاملیت قائل است. از نظر بومن، آزاد سازی هویت در عصر حاضر و تحقق استعدادهای واقعی انسانی، مستلزم شکسته شدن مرزبندی های اجتماعات و رها شدن افراد از شرایط تولد خویش است (ذکایی، ۱۳۸۵، ص ۵).

اگر چه زندگی در جامعه مدرن نوعی "زیارت" بود که در آن هویت سازی، پروژه ای اساسی تلقی می گردید و زائر و جهان او به یکدیگر معنا می بخشیدند، در جهان مابعد مدرن، پروژه مورد نظر، اجتناب از ثابت ماندن در یک هویت و رابطه با یک مکان است. اضطراب اصلی هویتی دوران مدرن، نگرانی بابت تداوم داشتن بود، حال آنکه دل مشغولی افراد در زمان حاضر، اجتناب از تعهد سپردن است. در جست و جوی هویت های اجتماعی - فضایی جوانان مهاجر، می توان جنبه هایی از جامعه سنتی را در رقابت با جامعه مدرن و یا مابعد مدرن یافت که خود را در رفتار فردی آنها منعکس می کند. اگر چه دسته ای از جوانان می توانند از اجتماع خود حمایت زیادی دریافت کرده و در آن احساس آرامش کنند، جوانانی نیز هستند که به دنبال پروژه فردی "زائرین" به تعبیر بومن هستند (بومن، ۱۹۹۸، ص ۵۰).

بومن شرایط جامعه متأخر را به گونه ای می بیند که افراد به طور روز افزونی به دنبال تجربه کردن محلی برای سکونت هستند و بر این اساس کمتر مکانی محل استقرار ثابت و دائم به شمار می آیند (همان، ص ۱۸)

- لی^۱ از جمله نظریه پردازانی است که به بررسی مسئله مهاجرت پرداخته است. نظریه او، معروف به نظریه دافعه و جاذبه است که در آن به عوامل مرتبط با مبدأ، عوامل مرتبط با مقصد و ویژگی های مهاجران پرداخته است (لسایی زاده، ۱۳۶۸؛ ۲۵). لی نظریه خود را در قالب چند فرضیه در مورد عوامل تأثیر گذار بر مهاجرت بیان می کند:
- مهاجران تمایل به مهاجرت به مسافت های کوتاه دارند. مهاجرانی که مسافت های طولانی را طی می کنند به مراکز تجاری و صنعتی مهاجرت می کنند.
- ۱- تفاوت روستا و شهر منجر به مهاجرت روستاییان می شود.
- ۲- اگر مهاجرت را نتیجه اختلاف میان مبدأ و مقصد بدانیم، هرچقدر تفاوت میان این دو بیشتر باشد، مهاجرت نیز شدت می یابد.
- ۳- مهاجرت با ظهور تکنولوژی و گسترش حمل و نقل، شدت گرفته است.
- ۴- مردان بیشتر از زنان، تمایل به مهاجرت دارند و مهاجرت زنان به مسافت های کوتاه تری صورت می گیرد.
- ۵- انگیزه های اقتصادی بر مهاجرت افراد غلبه دارد. قوانین سخت، درآمد کم، مالیات سنگین، آب و هوای نامناسب و محیط اجتماعی که برای فرد خوشایند نیست، منجر به مهاجرت افراد می شود.
- ۶- بدون کنترل شدید، شدت و میزان مهاجرت در طول زمان افزایش می یابد. افزایش جریان مهاجرت در طول زمان به علت افزایش اختلاف مناطق به علت گسترش صنعتی شدن، افزایش تراکم جمعیت و غلبه بر موانع بازدارنده می باشد.
- ۷- مهاجران بیشتر تمایل به مناطقی دارند که شناخت بیشتری از آنجا دارند و معمولاً به مناطق خاصی از میان گزینه های مورد نظرشان، مهاجرت می کنند.
- ۸- خصوصیات مهاجران، معمولاً حد فاصل خصوصیات جمعیت مبدأ و مقصد است. افرادی با خصوصیات خاص به عوامل منفی مبدأ پاسخ می دهند و تمایل دارند که جزئی از افراد مقصد، شناخته شوند.
- ۹- اوج میل به مهاجرت در مراحل خاصی از زندگی فرد صورت می گیرد. برای مثال افرادی که وارد سنین نیروی کار و یا ازدواج می شوند، تمایل دارند که از شهر محل اقامت خانواده پدری مهاجرت کنند، در حالیکه افرادی که مطلقه یا بیوه هستند، تمایل به ماندن در مبدأ دارند.
- مهاجران ابتدا به عوامل مثبت مقصد پاسخ می دهند. آنها کسانی هستند که نیازی به مهاجرت ندارند. برای مثال تحصیل کرده تر هستند و درآمد بیشتری نسبت به جمعیت مبدأ دارند (همان، ۲۶)
- با توجه به نظریه های موجود در حوزه مهاجرت، می توان از سه سطح برای تحلیل روند مهاجرت های داخلی استفاده کرد.

۱۰- سطح خرد: در این سطح، فرد آزادانه تصمیم می گیرد که مهاجرت کند و تصمیم به مهاجرت کردن و یا ماندن در مبدأ بر عهده خود فرد مهاجر است. مهاجر معمولاً بر اساس امیال، آرزوها و ارزش های خود مهاجرت می کند. در این سطح تحلیل، علت مهاجرت افراد عواملی از جمله به دست آوردن ثروت، پایگاه اجتماعی و رفاه در نظر گرفته می شود.

۱۱- سطح میانه: در این سطح آزادی فرد در انتخاب عمل مهاجرت او کمتر از سطح خرد است. انتخاب فرد بر اساس امیال و آرزوهایش نیست و شبکه اجتماعی فرد، تعیین کننده روند مهاجرت است. علت مهاجرت عواملی چون پیوندهای خانوادگی قوی، قومیت، ملیت و سازمان های مذهبی در نظر گرفته می شود.

۱۲- سطح کلان: در این سطح، فرد در انتخاب خود کمترین آزادی و حق انتخاب را دارد. ساختارهای کلان جامعه از جمله ساختارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اکولوژیکی علت مهاجرت فرد می باشد. دلایل مهاجرت عواملی مانند تبعیض های شغلی، سرکوب های قومی و ملی، هنجارهای قالب جامعه که خوشایند فرد مهاجر نیست، سطح تکنولوژی، رشد جمعیت و عدم دسترسی به زمین زراعی است (تامسون، ۲۰۰۷، ص ۴).

لی از جمله نظریه پردازان دیدگاه کارکردگرایی است که قوانین مهاجرت را نوشتارین را کامل کرد. لی علل مهاجرت را در هر سه سطح خرد، میانه و کلان بیان می کند. در سطح خرد به تأثیر جنسیت افراد در مهاجرتشان تأکید دارد. او معتقد است که مردان بیشتر از زنان مهاجرت می کنند و مسافت های طولانی تری را نیز برای مهاجرت انتخاب می کنند. در سطح میانه به بررسی شرایط زندگی فرد از جمله ازدواج مهاجر و پیوند های خانوادگی توجه دارد. در سطح کلان، لی به تفاوت های موجود میان شهر و روستا اشاره می کند و معتقد است هر چقدر این تفاوت ها بیشتر باشد، تمایل افراد به مهاجرت نیز افزایش می یابد. او معتقد است که در نبود کنترل های سخت، با گذشت زمان، میزان مهاجرت ها نیز افزایش می یابد. لی به جاذبه های مقصد و دافعه های مبدأ نگاه می کند و از این نظر می تواند نظریه جامع تری باشد. نظریه لی به علت توجه به سطوح مختلف در تحلیل مهاجرت، کامل تر از نظریه های دیگر بوده و ابعاد مختلفی از موضوع مهاجرت را پوشش می دهد.

در یک نگاه کلی، عوامل مؤثر بر مهاجرت در چهار بخش عمده قرار می گیرد:

الف) عوامل سیاسی ب) عوامل اقتصادی ج) عوامل جمعیتی د) عوامل محیطی

از بین این عوامل، عامل اقتصادی به علت در دسترس بودن اطلاعات بیشتر مورد توجه محققان بوده است.

در این تحقیق بر مبنای نتایج عمومی سرشماری نفوس و مسکن کشور در طی دهه های ۱۳۶۵-۱۳۹۰ به بررسی شاخص هایی در دو سطح خرد و کلان مهاجرت پرداخته می شود که شامل خصوصیات مهاجران و عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر مهاجرت است.

سرشماری ۶۵

در سرشماری ۶۵ حدود ۵۴ درصد مهاجرت‌ها درون استانی و ۴۶ درصد بین استانی بوده است و این نشان از سمت وسوی درون استانی مهاجرت در این سال‌ها دارد. در بین استان‌های کشور استان کردستان با ۸۶ درصد بیشترین و استان هرمزگان با ۲۸ درصد کمترین مهاجرت‌های بین استانی را داشته‌اند. در این سرشماری تعداد ۵۴۷۰۵۷۶ (۱۱ درصد از جمعیت کشور) نفر مهاجران وارد شده به استان‌ها بوده‌اند که به ترتیب استان تهران با ۲۵ درصد، خراسان با ۱۴ درصد، خوزستان با ۹ درصد و اصفهان با ۶ درصد، بیشترین مهاجران وارد شده را داشتند. از میان کل خارج شدگان نیز استان خوزستان با ۱۵ درصد، استان تهران با ۱۳ درصد، استان آذربایجان شرقی با ۹ درصد و خراسان با ۸ درصد، بیشترین تعداد مهاجران خارج شده را داشته‌اند.

از کل ۲۴ استان در سال ۶۵، ۱۴ استان خالص مهاجرتی مثبت و ۱۰ استان خالص مهاجرتی منفی داشته‌اند. استان‌های بوشهر، تهران، خراسان، هرمزگان و سیستان به ترتیب بیشترین موازنه مثبت مهاجرتی و استان‌های خوزستان، آذربایجان شرقی، همدان، کردستان و لرستان بیشترین موازنه منفی مهاجرتی را داشته‌اند. از کل مهاجران جابه‌جا شده در استان‌ها ۵۴ درصد را مهاجران مرد و ۴۶ درصد را مهاجران زن تشکیل می‌دهند. در بین سه گروه عمده سنی، تعداد ۱۸۲۰۱۳۶ (۳۴ درصد) در سنین ۰-۱۴ سال، ۳۴۳۸۴۲۵ (۶۳ درصد) در سنین ۱۵-۶۵ سال و ۲۱۲۰۱۶ مهاجر (۳ درصد) در سنین بالای ۶۵ سال قرار دارند.

توزیع سنی مهاجرین در گروه‌های عمده سنی نشان‌دهنده این است که بیشترین نوع مهاجرت، مهاجرت نیروی کار است و کمترین میزان مهاجرت نیز، مهاجرت کهنسال است. در میان استان‌های کشور استان تهران با ۲۳ درصد کل مهاجران وارد شده در سنین ۰-۱۴ (مهاجرت‌های خانوادگی) با ۱۹ درصد مهاجرین در سنین ۱۵-۶۵ سال (مهاجرت‌های نیروی کار) و با ۲۳ درصد مهاجرین در سنین بالای ۶۵ سال (مهاجرت‌های کهنسالان)، بیشترین مهاجرت را در سه گروه سنی داشته است.

بعد از استان تهران به ترتیب استان‌های خراسان، اصفهان، خوزستان در سنین ۰-۱۴ سال، استان‌های خراسان، خوزستان، اصفهان و سیستان و بلوچستان در سنین ۱۵-۶۵ سال، استان‌های خراسان، اصفهان، کرمانشاه و آذربایجان شرقی بیشترین وارد شدگان در سنین بالای ۶۵ سال را داشته‌اند. از بین کل مهاجران زن و مرد در گروه‌های سنی سه‌گانه، بیشترین مهاجرت مربوط به مردان در گروه سنی ۱۵-۶۵ سال است که به استان تهران مهاجرت کرده‌اند و ۱۶ درصد از کل مهاجرت‌ها را تشکیل می‌دهند. استان تهران به علت دارا بودن بیشترین تعداد مهاجران وارد شده و خارج شده، پر تحرک‌ترین استان کشور در این سرشماری بوده است. مهاجرت داخل مرزهای کشور در این سرشماری، کاملاً متأثر از شرایط

جنگ تحمیلی است. استان های مرکزی مهاجرپذیرترین استان های کشور و استان های مرزی مهاجرفرست ترین استان های کشور محسوب می شوند.

سرشماری ۷۵

در سرشماری سال ۷۵، تعداد ۸۷۱۸۷۷۰ نفر (۱۴ درصد از کل جمعیت) اقدام به مهاجرت کرده اند که از میان ۶۲ درصد مهاجرت ها درون استان محل اقامت بوده و ۳۸ درصد بین استان ها صورت گرفته است که در مقایسه با سرشماری ۶۵، ۸ درصد مهاجرت های درون استانی افزایش داشته است. بیشترین مهاجرین وارد شده به استانها به ترتیب متعلق به استان های تهران با ۲۳ درصد، خوزستان با ۹٫۵ درصد، خراسان با ۹ درصد، اصفهان با ۶ درصد و مازندران با ۵ درصد می باشد. بیشترین مهاجران خارج شده نیز از استان های تهران ۱۹ درصد، خراسان ۹ درصد، خوزستان ۸ درصد، اصفهان ۶٫۵ درصد و مازندران ۶ درصد بوده است.

در سرشماری ۷۵، دو استان قم از تهران و اردبیل از آذربایجان شرقی جدا شده و تعداد استان های کشور به ۲۶ استان افزایش یافت. از کل استان های موجود ۸ استان مهاجر پذیر و ۱۸ استان مهاجر فرست بودند. با توجه به افزایش تعداد استان های مهاجر فرست نسبت به سال ۶۵ می توان این را نشانه ای از جهت گیری مهاجرت به سمت چند استان اصلی و متمرکز شدن مهاجران عنوان کرد. بیشترین موازنه مثبت مهاجرتی در این سال نیز به تربیت شامل استان های قم، تهران، سمنان، خوزستان و اصفهان می شود و بیشترین موازنه منفی مهاجرتی نیز متعلق به استان های بوشهر، چهارمحال بختیاری، لرستان، اردبیل و زنجان است.

از کل مهاجران جابه جا شدن میان استان ها، ۵۵ درصد سهم مردان و ۴۵ درصد سهم زنان است که در مقایسه با سرشماری ۶۵ تغییر چندانی نداشته است. در بین گروه های سنی اصلی نیز، ۲۷۷۰۸۱۱ مهاجر در سنین ۱۴-۰ سال (۳۱ درصد)، ۵۷۹۳۷۰۹ مهاجر در سنین ۶۵-۱۵ سال (۶۶ درصد) و ۱۵۴۲۵۰ مهاجر در سنین بالای ۶۵ سال (۱٫۵ درصد) قرار دارند.

در مقایسه با سال ۶۵ از تعداد مهاجرین خانوادگی و کهنسال کاسته شده و حدود ۴ درصد بر مهاجرت های نیروی کار افزوده شده است. در بین استان های کشور بار دیگر همانند سال ۶۵ استان تهران بیشترین درصد وارد شدگان در سه گروه سنی عمده را دارد که میزان های آن شامل ۲۴ درصد گروه سنی ۱۴-۰ سال، ۴۳ درصد گروه سنی ۶۵-۱۵ سال و ۲۳ درصد گروه سنی ۶۵ سال به بالا بوده است. در مقایسه با سال ۶۵، درصد مهاجران وارد شده نیروی کار (۶۵-۱۵ سال) به تهران، ۵ درصد کاهش داشته و درصد مهاجرت های خانوادگی و کهنسال تقریباً بدون تغییر باقی مانده است. بعد از استان تهران در سه گروه عمده سنی نیز بیشترین مهاجران وارد شده به ۱۴-۰ سال به ترتیب به استان های خراسان، خوزستان و اصفهان، مهاجرین ۶۵-۱۵ سال به استان های خراسان، خوزستان و مازندران و مهاجرین ۶۵ سال به بالا به استان های خوزستان، خراسان، اصفهان و مازندران مهاجرت کرده اند.

سرشماری ۸۵

در سرشماری ۸۵ تعداد ۱۲۱۴۸۱۴۷ (۱۷ درصد از جمعیت کشور) مهاجرت در داخل مرزهای حکومتی کشور صورت گرفته است که رشد ۳ درصدی نسبت به سال ۷۵ داشته است. تعداد استان های کشور نیز با تقسیم استان خراسان به سه استان خراسان رضوی، خراسان شمالی و خراسان جنوبی و همچنین تشکیل استان جدید گلستان که از مازندران جدا شد، به ۳۰ استان رسید. از کل مهاجرت های داخلی ۵۸ درصد مهاجرت، درون استانی و ۴۲ درصد بین استانی بوده است که در مقایسه با سرشماری سال ۷۵ میزان مهاجرت های بین استانی، ۴ درصد افزایش داشته است. ۱۱ استان از جمع ۳۰ استان مهاجرپذیر و ۱۹ استان مهاجر فرست بوده اند که در مقایسه با سرشماری ۷۵ تعداد استان های مهاجر پذیر افزایش یافته است.

بیشترین تعداد مهاجرین وارد شده به ترتیب به استان های تهران، با ۲۴ درصد، اصفهان با ۶ درصد، فارس با ۵ درصد، خوزستان با ۴٫۸ درصد و گیلان با ۴ درصد بوده است. بیشترین مهاجر خارج شده نیز از استان های تهران با ۱۸ درصد، خوزستان با ۵٫۸ درصد، فارس با ۵٫۶ درصد و آذربایجان شرقی با ۵ درصد بوده است. بیشترین موازنه مثبت مهاجرتی متعلق به استان های تهران، یزد، قم، اصفهان و بوشهر می باشد و بیشترین موازنه مهاجرتی منفی نیز به ترتیب شامل استان های کرمانشاه، همدان، اردبیل، کردستان و لرستان است.

از تعداد کل مهاجران جابه جا شده، ۶۷۵۴۹۹۵ نفر را مهاجران مرد (۵۵ درصد) و ۵۳۹۳۱۵۲ (۴۵ درصد) را مهاجران زن تشکیل می دهند. در بین گروه های عمده سنی نیز، ۲۳۲۰۱۶۳ مهاجرت (۱۹ درصد) در سنین ۱۴-۰ سال، ۹۶۲۸۸۳۳ مهاجرت (۷۹ درصد) در سنین ۶۵-۱۵ سال و ۱۹۹۱۵۱ مهاجرت (۱٫۵ درصد) در سنین بالای ۶۵ سال رخ داده است. نکته قابل توجه افزایش چشمگیر ۱۳ درصدی مهاجران در سنین کار و کاهش سهم مهاجرت های خانوادگی و کهنسال از کل میزان مهاجرت های رخ داده است. شاید بتوان دلیل افزایش مهاجرت ها در سنین ۶۵-۱۵ سال را رسیدن موج جمعیتی سال های ۵۹-۶۵ به سنین اشتغال دانست که با مشاغل ایجاد شده متناسب نبوده و منجر به افزایش بیکاری شده و در نهایت مهاجرت افراد در این سنین را به منظور یافتن شغل در پی داشته است. در بین گروه های عمده سنی نیز، همچنان استان تهران رتبه یک مهاجرپذیری را داراست. مهاجران وارد شده به استان تهران در سنین ۱۴-۰ سال، ۵۷۹۶۸۳ (۳۴ درصد)، در سنین ۶۵-۱۵ سال، ۲۳۴۶۲۴۱ (۳۷ درصد) و در سنین بالای ۶۵ سال، ۵۷۹۶۵ (۲۹ درصد) بوده است.

سرشماری ۹۰

در سرشماری ۹۰ تعداد ۵۵۳۴۶۶۶ (۷/۳ درصد از جمعیت کشور) مهاجرت در داخل مرزهای حکومتی کشور صورت گرفته است. در این سرشماری، تعداد استان های کشور، با جدا شدن استان البرز از استان تهران، به ۳۱ استان رسید. در صد مهاجرت های درون استانی در کل کشور ۶۲/۶ درصد و درصد مهاجرت های برون استانی ۳۷/۴ درصد است که در مقایسه با سرشماری قبل

حدود ۴ درصد بر مهاجرت‌های داخل استانی افزوده شده و به همین میزان از مهاجرت‌های برون استانی کاسته شده است. کاهش مهاجرت‌های برون استانی نشان‌دهنده این است که مهاجران مسافت کمتری را برای مهاجرت خود ترجیح می‌دهند. از سوی دیگر چون مسافت‌های بالا برای مهاجرت، نیاز به انگیزه بیشتری و بالاتری دارد، به نظر می‌رسد که اهداف مهاجران در مسافت‌های کوتاه تر و به خصوص درون استانی، حاصل می‌شود.

از جمع ۳۱ استان کشور، ۲۲ استان موازنه مثبت مهاجرتی دارند که نشان‌دهنده مهاجرت‌پذیری این استان‌هاست. در مقابل ۹ استان موازنه منفی مهاجرتی که نشان‌دهنده مهاجرت‌فرستی می‌باشد. این آمار در مقایسه با سرشماری ۱۳۸۵ بیان می‌کند که تعداد بیشتری از استان‌های کشور به جمع استان‌های مهاجر پذیر وارد شده‌اند که کاهش تمرکزگرایی در مهاجرت‌های داخلی کشور را نشان می‌دهد. بالاترین درصد مهاجرت‌های درون استانی از استان‌های کرمان، آذربایجان غربی، خوزستان و کهگیلویه و بویر احمد گزارش شده است. مقصد بیشترین مهاجرت‌های برون استانی نیز استان‌های قم، البرز، سمنان و یزد است.

بیشترین تعداد مهاجران وارد شده به ترتیب به استان‌های تهران (۱۷درصد)، خراسان رضوی (۷درصد)، اصفهان و فارس (۶ درصد) و استان البرز (۵ درصد) مهاجرت کرده‌اند. بیشترین تعداد مهاجران خارج شده نیز به ترتیب از استان‌های تهران (۱۶درصد)، فارس و خراسان رضوی (۶ درصد)، اصفهان (۵ درصد) و خوزستان (۴درصد) بوده اند.

بیشترین موازنه مثبت مهاجرتی متعلق به استان‌های بوشهر، سمنان، یزد، خراسان جنوبی و گیلان است و بیشترین موازنه منفی مهاجرتی نیز مربوط به استان‌های کرمانشاه، لرستان، چهارمحال بختیاری و سیستان و بلوچستان است. علت موازنه مثبت مهاجرتی استان بوشهر را می‌توان ایجاد فرصت‌های شغلی در مناطق عسلویه و پارس جنوبی دانست که منجر به مهاجرت افراد در سنین کار به این مناطق شده است.

از تعداد کل مهاجران جا به جا شده، ۵۲ درصد را مردان (۲۹۰۸۵۶۰) و ۴۸ درصد (۲۶۲۶۱۰۶) را زنان تشکیل می‌دهند. در مقایسه با سرشماری قبل، ۳ درصد بر مهاجرت‌های داخلی زنان افزوده شده است. ۷۷/۲ درصد از مهاجران در سنین ۶۵-۱۵ سال (۴۲۷۴۷۶۵) قرار دارند، ۲۱/۲ درصد (۱۱۷۶۸۰۶) زیر ۱۵ سال و ۱/۵ درصد افراد بالای ۶۵ سال را تشکیل می‌دهند. در مقایسه با سرشماری سال ۱۳۸۵، حدود ۲ درصد از مهاجران در سنین کار کاسته شده و به مهاجران زیر ۱۵ سال یا مهاجران خانوادگی افزوده شده است.

رابطه میان سطوح توسعه یافتگی و مهاجرت

برای سنجش و تعیین درجه توسعه یافتگی استان‌های کشور بالغ بر ۳۲ متغیر که به صورت معیار توسعه تعریف شده اند بر اساس آخرین داده‌های آماری در سالنامه‌های ۷۵ و ۸۵، در بخش‌های مختلف مطالعاتی طبقه بندی شده است و رتبه و ضریب هر استان در بخش مربوط، تعیین گردیده است. به علت کامل نبودن داده‌های سال ۱۳۶۵ و همین‌طور داده‌های سال ۱۳۹۰ تا زمان انجام پژوهش، سطوح توسعه یافتگی استان‌ها در این سال‌ها محاسبه

برای محاسبه توسعه یافتگی استان ها در بخش نیروی انسانی و اشتغال: متغیر هایی چون نسبت و درصد شاغلین، درصد شاغلین بخش صنعت، نسبت ازدواج به طلاق، خالص مهاجرت، افراد تحت پوشش تأمین اجتماعی، شاغلین ۱۰ ساله و بیشتر با تحصیلات عالی در بخش بهداشت و درمان: تعداد پزشکان عمومی، دندانپزشکان و دارو سازان، برخورداری از تخت بیمارستانی، آزمایشگاه ها، داروخانه ها و مراکز پرتونگاری.

در بخش مسکن و ساختمان: واحدهای مسکونی با دوام، برخوردار از برق، آب لوله کشی، گاز لوله کشی، کولر و شوفاژ

در بخش فرهنگی و جهانگردی: برخورداری از سینما، کتابخانه های وابسته به وزارت ارشاد، مراکز فرهنگی و هنری، تأسیسات اقامتی، تخت اقامتی

در بخش ارتباطات و مخابرات: ضریب نفوذ تلفن منصوبه و مشغوله، تلفن همراه، همگانی شهری و روستایی، برخورداری از دفتر پستی شهری (قرخلو، ۱۳۸۵).

جدول شماره ۲- سطوح توسعه یافتگی استان های کشور در سرشماری ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵

سرشماری ۱۳۸۵	سرشماری ۱۳۷۵	سطوح توسعه یافتگی
مازندران- گیلان- تهران- قم- اصفهان- فارس- کرمان- خراسان رضوی- آذربایجان شرقی- آذربایجان غربی- یزد- سمنان- مرکزی	قم- خراسان- کرمان- مرکزی- چهارمحال بختیاری- اصفهان- کرمان- سمنان- یزد- فارس- بوشهر- تهران- مازندران	استان های توسعه یافته
سیستان و بلوچستان- گلستان- ایلام- زنجان- اردبیل- خوزستان- همدان- کرمانشاه- لرستان- چهارمحال بختیاری	گیلان- آذربایجان شرقی- زنجان- ایلام- خوزستان- هرمزگان	استان های در حال توسعه
بوشهر- هرمزگان- خراسان جنوبی- خراسان شمالی- کهکلوپه و بویر احمد- کردستان	سیستان و بلوچستان- اردبیل- آذربایجان غربی- کردستان- همدان- کرمانشاه- لرستان- کهکلوپه و بویر احمد	استان های توسعه نیافته

نتایج تاکسونومیک^۱ سطوح توسعه یافتگی استان های کشور نشان می دهد که سطوح توسعه استان ها در بخش های مختلف یکسان نبوده و در اکثر این استان ها توسعه یافتگی در یک بخش نشان دهنده توسعه بخش های دیگر نیست. بر اساس نتایج مدل تاکسونومی، استان تهران در سال ۱۳۷۵، در ۳ بخش نیروی انسانی، مسکن، ساختمان و ارتباطات و مخابرات توسعه یافته ترین استان کشور می باشد. در بخش بهداشت و درمان رتبه پنجم و در بخش

۱- مدل محاسبه توسعه یافتگی استان ها

روش تاکسونومی برای اولین بار در سازمان یونسکو برای درجه بندی و تعیین مناطق توسعه یافته مورد استفاده قرار گرفت. تکنیک مورد نظر شامل چندین مرحله عملیاتی است که به هر دو شیوه محاسبه دستی و کامپیوتری قابل اجراء است. (زیاری، ۱۳۸۸، ص ۱۳۷)

مراحل اجرای فرمول تاکسونومی به شکل زیر است:

- ۱- تشکیل ماتریس دادهها که در آن نام مکانها در سطر و شاخصهای توسعه در ستونها قرار میگیرند
- ۲- تشکیل ماتریس استاندارد همسان سازی اطلاعات با استفاده از فرمول Z-score
- ۳- محاسبه و تعیین فواصل مرکب میان مکانها در درون یک ماتریس مقارن و از طریق فرمول زیر:

$$d_{ab} = \sum_i |z_{ai} - z_{bi}|$$

۴- تعیین کوتاهترین فاصله در هر سطر ماتریس مقارن

۵- محاسبه فواصل حد بالا (d_{a+}) و حد پایین جهت (d_{a-}) تعیین مکانهای همگن با استفاده از فرمول زیر:

$$o_a = d_{a+} + sd$$

۶- حذف مکانهای ناهمگن

۷- تعیین مقدار ایده آل از ماتریس استاندارد

۸- محاسبه سرمشق توسعه از رابطه زیر:

$$e_{ij} = \sum_k \min(z_{ik} - z_{jk})$$

$$e_i = e_{ij} + \frac{1}{n}$$

$$d_i = e_{ij} + e_i$$

$$f_i = \frac{d_i}{e_i}$$

۹- محاسبه درجه توسعه مکانها

فرهنگی و جهانگردی رتبه یازدهم را کسب می کند. استان خراسان به علت ماهیت مذهبی شهر مشهد و امکانات و پتانسیل های قوی اقامتی و استان مازندران به علت ماهیت و عملکرد توریستی آن از نظر فرهنگی و جهانگردی در رتبه اول و دوم قرار می گیرند. حال آنکه در بخش های دیگر مطالعاتی، رتبه های کاملاً پایین تری کسب می کنند. این مسأله بیانگر این واقعیت است که ابعاد توسعه یافتگی به صورت ناموزون بین استان های کشور توزیع شده است.

با توجه به وضعیت مهاجرت و توسعه در سال ۷۵، تعدادی از استان های کشور، توسعه یافته اند، اما مهاجر فرست می باشند و تعدادی نیز مهاجرپذیر بوده، در حالیکه توسعه نیافته و یا رتبه پایین تری در سطوح توسعه دارند. از جمله استان های مازندران، فارس و مرکزی که توسعه یافته، اما مهاجر فرست هستند. استان خوزستان نیز در ردیف استان های در حال توسعه می باشد، در حالیکه استانی مهاجر پذیر است. با توجه به R^2 به دست آمده، ۲۰ درصد از تغییرات مهاجرت های بین استانی در سرشماری ۷۵ ایران را ابعاد مختلف توسعه تبیین می کند.

در میان ابعاد مختلف توسعه، بعد فرهنگی و گردشگری بالاترین تعیین کنندگی را در مهاجرت دارد که نشان دهنده تاثیر جاذبه های گردشگری و مکان های زیارتی و سیاحتی در مهاجرت دارد. این نوع مهاجرت بیشتر از نوع مهاجرت کوتاه مدت بوده و اغلب به منظور سیاحت و زیارت می باشد و اکثر مهاجران مهاجرت بازگشتی به استان محل اقامت قبلی خود خواهند داشت.

در سال ۸۵، استان تهران در تمام ابعاد توسعه رتبه یک را دارد و این نشان دهنده افزایش تمرکزگرایی در کشور است. بقیه استان ها نیز همانند سال گذشته از رتبه های مختلفی در ابعاد گوناگون، برخوردار هستند. برای مثال، در بخش فرهنگی، همچنان استان خراسان رضوی به علت ماهیت مذهبی و استان های شمالی به علت ماهیت توریستی و گردشگری بعد از تهران بالاترین رتبه در بخش فرهنگی و گردشگری را دارند. در مقایسه با سال ۷۵، ضریب تعیین در دو بخش بهداشت و درمان و اقتصاد بالاتر رفته است. با افزایش تولید ناخالص داخلی یک استان مهاجرفرستی آن استان نیز افزایش می یابد.

در سال ۸۵، R^2 به دست آمده ۰,۲۰ است که همانند سال ۷۵ نشان دهنده این است که ابعاد توسعه، ۲۰ درصد از روند مهاجرت های بین استانی در ایران را تبیین می کند. استان هایی همانند استان بوشهر، هرمزگان، یزد، سمنان، مرکزی و قم، استان های مهاجر پذیر می باشند، اما استان های توسعه یافته محسوب نمی شوند. استان های آذر بایجان غربی و شرقی نیز با وجود توسعه یافتگی، استان های مهاجر فرست هستند. در مقایسه با سرشماری ۷۵، استان های شمالی کشور همچون استان های گیلان، مازندران و گلستان و استان های جنوبی هرمزگان و بوشهر به جمع استان های مهاجر پذیر وارد شده اند و استان خوزستان نیز در سرشماری ۸۵، مهاجر فرست می باشد.

در میان ابعاد مختلف توسعه در سال ۸۵، بعد توسعه مسکن و ساختمان بیشترین تعیین کنندگی را در مهاجرت داشته است. می توان گفت که مکان هایی که مسکن با دوام و با تسهیلات بالاتری دارند، مهاجران بیشتری را به خود جذب کرده اند. این بعد را نمی توان جز علل مستقیم مهاجرت دانست و به صورت غیر مستقیم و از طریق دافعه ها و جاذبه های دیگر در مهاجریذیری یک مکان تاثیر دارد.

جدول شماره ۳- ضریب تعیین ابعاد مختلف توسعه در مهاجرت های داخلی

سرشماری ۱۳۸۵	سرشماری ۱۳۷۵	ابعاد مختلف توسعه
ضریب تعیین R^2	ضریب تعیین R^2	
۰/۲۰۷۶	۰/۲۰۵۴	کلی
۰/۲۱۹۳	۰/۱۳۱۹	بهداشت- درمان
۰/۱۱۸۱	۰/۲۲۶۲	اشتغال - نیروی انسانی
۰/۱۴۴۲	۰/۲۶۳۸	فرهنگی- گردشگری
۰/۱۹۸۴	۰/۲۳۸۷	ارتباطات - مخابرات
۰/۱۹۳۵	۰/۱۵۳۱	اقتصاد
۰/۲۳۱	۰/۲۲۵۳	مسکن- ساختمان

نتیجه گیری

براساس یافته های این تحقیق مهاجرت مردان تقریباً در تمامی استان های کشور بیشتر از مهاجرت زنان است، اما این تفاوت در حال کاهش است. چنانکه در سرشماری ۶۵ بیشترین تفاوت مهاجرت مردان و زنان و کمترین تفاوت در سرشماری ۹۰ دیده می شود و همچنین تعداد مهاجرت های زنان در حال افزایش است. در سرشماری ۹۰ درصد مهاجرت های زنان و مردان، تقریباً به حدود ۵۰ درصد رسید. در بین استان های مختلف کشور نیز تفاوت جابه جایی مردان و زنان به یک میزان است و اختلاف چندانی در این مورد میان استان ها وجود ندارد. علت افزایش مهاجرت های زنان را می توان وارد شدن زنان به عرصه اجتماع و خصوصاً افزایش زنان تحصیل کرده و شاغل دانست که به این منظور، استان و یا شهر محل اقامت خود را ترک کرده و به مکان جدید برای تحصیلات، کار و بهبود موقعیت اجتماعی و اقتصادی خود مهاجرت می کنند. این مسئله نشان دهنده تغییر در ارزش های سنتی جامعه و تغییر نگرش نسبت به اشتغال و تحصیل زنان است که با بررسی مهاجرت های آنان به استان های مختلف مورد تأیید قرار می گیرد.

در قسمت بررسی گروه های سنی مهاجران، مهاجران در سه گروه سنی عمده که در قالب سه نوع مهاجرت است، جای گرفتند. این سه گروه شامل: گروه سنی ۱۴-۱۰ سال که اغلب مهاجرت های خانوادگی دارند. گروه سنی ۶۵-۱۵ سال که در سنین فعالیت اقتصادی هستند و مهاجرت نیروی کار دارند و سنین بالای ۶۵ سال که سنین بازنشستگی و کهنسالی است و مهاجرت کهنسالی دارند. بررسی هر چهار دوره سرشماری، نشان داد که مهاجرت نیروی کار در هر سه دوره غالب بوده است. گروه های سنی ۲۴-۲۰ سال و ۲۹-۲۵ سال نیز در اکثر استان های کشور، گروه اصلی مهاجران در سرشماری ۸۵ هستند که در مقایسه با سرشماری های قبل، جوان تر شدن مهاجران نیروی کار را نشان می دهد. مهاجرت خانوادگی و کهنسالان نیز به ترتیب بیشترین نوع مهاجران را تشکیل می دهند. اما با گذشت زمان از میزان مهاجرت های خانوادگی کاسته شده و بر میزان مهاجرت های نیروی کار، اضافه شده است. به گونه ای که در سرشماری ۸۵ درصد مهاجرت نیروی کار در تمامی استان ها به بالای ۸۰ درصد رسیده است که رشد قابل توجهی نسبت به سرشماری های قبل داشته است. این افزایش به یک نسبت در تمامی استان های کشور دیده می شود و تفاوت چندانی در گروه های سنی جابه جا شده در میان استان ها ی مختلف وجود ندارد. علت افزایش مهاجرت نیروی کار را می توان، رسیدن موج جمعیتی دوران جنگ تحمیلی (متولدین ۱۳۶۷-۱۳۵۹) به سنین کار دانست که با افزایش نرخ بیکاری همراه بوده است. تعدادی از این جوانان به منظور ادامه تحصیل و عده ای نیز به منظور یافتن شغل یا بهبود شرایط اقتصادی شان مهاجرت می کنند. یافته های این تحقیق نشان داد که مهاجرت در گروه های سنی مختلف، متفاوت است و در سنین ۲۹-۲۰ سال، بیشترین میزان مهاجرت داخلی در کشور دیده می شود.

در سرشماری ۱۳۹۰ از نسبت مهاجرت های نیروی کار کاسته شده و بر مهاجرت های خانوادگی افزوده شده است.

طبق یافته های این تحقیق عوامل اقتصادی بر روی مهاجرپذیری مناطق تأثیر می گذارد. آمار مهاجرپذیری در استان بوشهر که جز مهاجرپذیرترین استان های کشور است، تا حدودی این مسئله را تأیید می کند. استان بوشهر با وجود گرمی هوا و شرایط نامناسب جوی و محیطی، به علت فعالیت مناطق صنعتی همچون عسلویه، پذیرای تعداد زیادی از جوانان متخصص به منظور اشتغال می باشد. استان هرمزگان نیز با وضعیتی مشابه استان بوشهر با وجود جزایری همچون، قشم و کیش به علت شرایط مناسب به منظور فعالیت های تجاری و اقتصادی در لیست استان های مهاجرپذیر در سرشماری ۸۵ و ۹۰ می باشد.

نقشه استان های مهاجرپذیر و مهاجرفرست نشان می دهد که در سرشماری ۶۵ تعداد بیشتری از استان های ۲۴ گانه کشور مهاجرپذیر بودند، اما با گذشت زمان از تعداد استان های مهاجرپذیر کاسته شده و بیشتر به استان های بزرگ و مرکزی کشور محدود شده است. در هر سه دوره سرشماری، استان های مرزی کشور مهاجرفرست ترین استان های کشور می باشند.

(به جز استان خوزستان در سرشماری ۷۵، که مهاجرت بازگشتی بعد از اتمام جنگ تحمیلی را تجربه کرده است). این موضوع نشان دهنده، کاهش تمرکزگرایی در مهاجرت های داخلی کشور می باشد. نکته قابل ملاحظه کاهش حدود ۱۵ درصدی مهاجرت های برون استانی به استان تهران است. یکی از علل آن را می توان جدایی استان البرز از استان تهران اعلام کرد که آمار بیشتری از مهاجرت های برون استانی را دارد و در سرشماری های قبل نیز این آمار به آمار استان تهران افزوده می شد.

نتایج این پژوهش، نشان دهنده تأثیر عوامل اقتصادی- اجتماعی (سطح کلان) بر روی میزان مهاجرت افراد و مهاجرپذیری و مهاجرفرستی مناطق است. در این قسمت از تحقیق، به بررسی تأثیر ابعاد مختلف توسعه بر مهاجرپذیری و مهاجرفرستی استان ها پرداخته شد. ۳۲ شاخص در ابعاد مختلف توسعه فرهنگی - گردشگری، بهداشت و درمان، ارتباطات و مخابرات، مسکن و ساختمان و اقتصاد مورد استفاده قرار گرفتند و با استفاده از مدل رتبه بندی تاکسونومی، رتبه استان های کشور در بخش های مختلف توسعه مشخص شد. نتایج نشان داد که به جز استان تهران که در همه ابعاد رتبه یک را داشته است، بقیه استان ها از رتبه های مختلف در ابعاد مختلف برخوردار هستند و توسعه در یک بخش نشان دهنده توسعه در بخش های دیگر نمی باشد. R^2 به دست آمده نشان دهنده این است که ابعاد مختلف توسعه، ۲۰ درصد از تغییرات مهاجرت داخلی را در سال های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ تبیین می کند. در سرشماری ۷۵، توسعه فرهنگی و گردشگری تعیین کننده ترین بعد توسعه در مهاجرت است. همچنین توسعه بهداشت و درمان کمترین تأثیر را در مهاجرپذیری و مهاجرفرستی استان ها دارد. در سال ۸۵ اهمیت ابعاد مختلف توسعه تغییر کرده و توسعه مسکن و ساختمان بیشترین تعیین کنندگی توسعه انسانی، کمترین تعیین کنندگی را بر روی مهاجرت داشته اند.

در مجموع می توان گفت که جریانهای مهاجرتی کشور در قالب ۲ گروه صورت می گیرد. گروه نخست جریانهایی که با هدف دستیابی به فرصتهای اقتصادی به سمت استانها و کانونهای جمعیتی در حال توسعه کشور است (استان خوزستان و بوشهر). این استان ها به علت اجرای طرح های عظیم اقتصادی و احداث شهرک های صنعتی، قابلیت اشتغال زایی فراوانی داشته و جزء مقصد های اصلی مهاجران داخلی کشور می باشند. تعدادی از مهاجران وارد شده به این مناطق از استان های کمتر توسعه یافته مانند سیستان و بلوچستان هستند که به منظور انجام کار بدی به این مناطق مهاجرت می کنند. تعداد دیگری از مهاجران وارد شده به این مناطق، نیروهای متخصص از استان های توسعه یافته مانند تهران، فارس و اصفهان هستند که به منظور انجام فعالیت اقتصادی و نیاز به تخصص و مهارتشان به این مناطق مهاجرت می کنند. نظریات سینجر و لوئیس در این حوزه تبیین گر این جریانات هستند. فقدان فرصتهای شغلی مناسب، محدودیت در عرصه های تولید روستایی در استانهایی مانند همدان، کرمانشاه و زنجان، سبب می شود که مقصد مهاجرین خارج شده از این استانها در راستای دستیابی به فرصتهای

مناسب به سمت این دسته از استانها (در حال توسعه) و مناطق مهاجرپذیر که در برخی از موارد با شرایط سخت محیطی نیز مواجه هستند، ختم گردد.

جریانهای دوم جمعیتی کشور عمدتاً جریانهای منطبق با رویکرد فکری ارائه شده در نظریاتی چون لی، بومن و تاحدودی راونشتاین است. بر اساس این رویکرد مهاجران در تصمیم به مهاجرت و یا ماندن در مبدأ از آزادی بیشتری برخوردار هستند و در سنین آغاز جوانی اقدام به مهاجرت می کنند. این گروه از جریانها عمدتاً در راستای تحقق استعدادهای انسانی و تضعیف یا از بین رفتن مرزبندی های اجتماعات و رها شدن افراد از شرایط سکونتگاه مبدا است که مهاجر بدنبال اجتناب از ثابت ماندن در یک هویت و رابطه با یک مکان و تجربه مکانها و هویتهای نوین است. در واقع در این رویکرد، جوانان به دنبال سرمایه های فرهنگی، مهاجرت می کنند. جست و جوی هویت های اجتماعی - فضایی جوانان مهاجر را می توان جنبه هایی از گذار جامعه سنتی به جامعه مدرن و یا مابعد مدرن یافت که فرد در تلاش برای بروز رفتار جدید خود اقدام به جابجایی و تغییر مکان سکونت و فعالیت می دهد. بخش عمده ای از جریانهای شکل گرفته در بین برخی از استانهای کشور که در مسیر توسعه قرار گرفته اند، در راستای الگوی بیان شده می باشد که وجود حجم قابل توجه جابجائی های جمعیتی در گروه های سنی جوانان و در بین استانهای آذربایجان شرقی، گیلان و مازندران، مبین این نکته است.

این نکته با نظر ذکایی (۱۳۸۵) همخوانی دارد که معتقد است اگر منطقه ای در مسیر توسعه گام برداشته باشد، گرایش به مهاجرت در آنجا بیشتر می شود و در مناطق کاملاً توسعه یافته و توسعه نیافته، این جریان کمتر دیده می شود.

منابع:

- تودارو، مایکل (۱۳۶۸)؛ مهاجرت داخلی در کشورهای در حال توسعه، ترجمه مصطفی سرمدی و پروین رئیسی، تهران، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی
- ذکایی، محمد سعید (۱۳۸۵)؛ "جوانان، جهانی شدن و مهاجرت های بین المللی"، مجله جامعه شناسی ایران، سال دوم، شماره ۷، صص ۴۱-۷۵
- زاهد زاهدانی، سید سعید (۱۳۸۵)؛ "نگاهی کلان به مهاجرت و توزیع جمعیت در ایران از سال ۵۵ تا ۷۵ ه. ش"، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، سال یکم، شماره اول، تابستان، صص ۱۶۸-۱۹۸
- زیاری، کرامت اله (۱۳۸۸)؛ اصول و روش های برنامه ریزی منطقه ای، انتشارات دانشگاه تهران
- سایت مرکز آمار ایران، www.amar.org.ir
- شیخی، محمد تقی (۱۳۷۱)؛ تحلیل کاربرد جمعیت شناسی، تهران، انتشارات اشراقی
- شیعه، اسماعیل (۱۳۸۰)؛ با شهر و منطقه در ایران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران
- فرج زاده قلعه، حسین (۱۳۷۹)؛ بررسی تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر مهاجریذیری در شهر بناب، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز
- قرخلو، مهدی (۱۳۸۵)؛ "تحلیل مهاجرت در ارتباط با توسعه یافتگی استانهای کشور در سال "مجله جغرافیا، شماره ۲۰، سال ۴، صص ۸
- کشتکار، مرتضی (۱۳۸۰)؛ "مهاجرت بین استانی و باز - توزیع جمعیت در ایران طی سال های ۷۵-۱۳۶۵"، مجله جمعیت شناسی ایران، شماره ۴۲
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹)؛ جامعه شناسی؛ ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نشر نی
- لوکاس، دیوید و مید، پاول، (۱۳۸۱)؛ درآمدی بر مطالعات جمعیتی، ترجمه حسین محمودیان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- لهسائی زاده، عبدالعلی و عبداللهی، احمد (۱۳۸۱)؛ جامعه شناسی جهان سوم، شیراز، انتشارات نوید
- لهسائی زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸)؛ نظریات مهاجرت، ناشر نوید، شیراز
- وارثی، حمید رضا و سروری (۱۳۸۵)؛ "تحلیلی بر ارتباط متقابل توسعه، مهاجرت و شهرنشینی در ایران"، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، دانشگاه اصفهان، شماره ۶
- Bauman, Z (1998), *the Individualized Society*, London, Policy Press
- Bauman, Z (2000), *Life in fragment Essayer in Postmodern morality*, Oxford, Blackwell
- Bijak, J, Kupiszewski, M., & Kissinger, A. (2004) International migration scenarios for 27 European countries, 2002-2052 (Working Paper

- 4/2004)". Warsaw: Central European Forum for Migration Research, pp 25-40
- Bonofizi, poll & Hinnies, George,(2000),"Long- Term Trends of Internal Migration in Italy", *International Journal of Population Geography*,6,pp 111-131
- Cooper, H.(1984), *The Integrative Research Review Systematic Approach*. Newbury Park: Sage
- Edmonston, Barry (2009),"Canadian provincial population Growth", *Canadian Studies in population*, 2, pp 1-36
- Fan, Cindy (2005), "Modeling Interprovincial Migration in China", *Eurasian Geography and Economics*,3,pp 165-184
- Finnies, Ross, (1998), "Interprovincial Mobility in Canada, Who Moves?" *Applied Research Branch*, 2, pp 1-40
- Maa, E xiang, lio, Coli,(2007),"cultural laws in Internal Migration in Australia", *Qusip*, 12,pp 50-75
- Sozoki, lee,(2007),"Impacts of Internal Migration on Human Capital in China", *Demogeraphy in China*, 3,pp 1-30
- Tertamedorm,Rivando,(2009), "Mobility and Human Capital", *Reports of human development*, 5,pp 14-35